

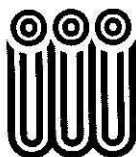
مریخ و ونوس در اتاق خواب

دکتر جان گری

www.ketab.ir

مترجم:

لیلا رحمتی



- سرشناسه : گری، جان، ۱۹۵۱ م.
John, Gray
عنوان و نام پدیدآور : مریخ و ونوس در اتاق خواب/ جان گری؛ مترجم لیلا رحمتی.
مشخصات نشر : تهران: شایگان کتاب، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری : ۲۵۲ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۹۳-۱-۰
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
یادداشت : عنوان اصلی: *Passion and omance lasting to guid a: bedroom the in Venus and Mars*
عنوان دیگر : مریخی‌ها و ونوسی‌ها در اتاق خواب.
موضوع : مردان -- رفتار جنسی
موضوع : زنان -- رفتار جنسی
موضوع : جنسیت
شناسه افزوده : رحمتی، لیلا، ۱۳۶۰ - مترجم
رده‌بندی کنگره : HQ۳۱/۴م۴۱۳۹۴
رده‌بندی دیویی : ۹۱۲/۸۳۳
شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۲۰۸۱۳



انتشارات
شاپیگان کتاب

مربخ و ونوس در اتاق خواب

نویسنده: جان گری

مترجم: لیلا رحمتی

ناشر: شاپیگان کتاب

نوبت چاپ: ششم / ۱۴۰۱

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: منصوری

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-95793-1-0

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۹۳-۱-۰

حق چاپ محفوظ است.

آدرس: اتوبان آیت الله سعیدی - چهارداگه - شهرک صنفی سهن - خیابان خلیج فارس - خیابان سهن هشتم - پلاک ۲/۳۱

تلفن همراه: ۰۹۱۲۶۹۶۶۵۰۶

فکس: ۶۶۹۱۹۹۶۳

تلفن: ۶۶۹۱۹۹۴۶

 email: shapigan_pubs@yahoo.com

 shapigan ketab publication

 ۰۹۱۲۶۹۶۶۵۰۶

فهرست

۷	سخن ناشر
۱۱	مقدمه
۲۱	یادداشت ویژه
۲۳	فصل اول - کسب مهارت برای رابطه جنسی شوق انگیز
۳۷	فصل دوم - شور و هیجان در رابطه جنسی
۵۱	فصل سوم - هنر برانگیختن
۶۳	فصل چهارم - توجه به رضایت زن
۸۷	فصل پنجم - زنان چون ماه هستند
۹۹	فصل ششم - لذت شتاب ورزیدن
۱۲۳	فصل هفتم - چرا رابطه جنسی زوج ها کاهش می گیرد
۱۴۷	فصل هشتم - چه گونه شعله هیجانات جنسی را روشن گردانیم
۱۶۱	فصل نهم - رابطه جنسی قطبی
۱۸۳	فصل دهم - رابطه جنسی مکانیکی در برابر رابطه خودجوش

سخن ناشر

نمی‌خواهم مرا دور بزنید؛ ابتدا صدایم را بشنوید و سپس به سراغ متن اصلی کتاب بروید. حرف‌هایی دارم که اگر نگویم گلوله‌یی می‌شود بغض‌آلود در گلویم. این کتاب را به مترجم سپردم و از او خواستم با دقت تمام ترجمه‌اش کند نه به جهت آن‌که «شاید» بازار خوبی داشته باشد، بلکه بدان جهت که «شاید» درمانی باشد بحران جامعه ما را بالاخص جامعه کنونی ما را که دوران سنتی را متاب زده پشت سر می‌گذارد و به دنیای مدرنیته و فراتر دنیای پسامدرنیته ورود می‌کند. در این دوران گذار جامعه ما دچار بحران است، بحران بی‌هویتی؛ نه به‌رسمان استوار سنت چسبیده‌ام که به زن می‌گفت: «با تور سفید به خانه شوهرت می‌روی و با کفن سفید بیرون می‌آیی.» و نه آن تساهل و تسامح را داریم که همسرمان از جنبش‌های فمینیستی سر درآورد و دعوی برابری زن با مرد را که چه عرض کنم، دعوی برتری زن بر مرد را داشته باشد. همین نگاه زن را دلیر و مرد را خشمگین و بی‌حوصله کرده است و این گونه است که آمار طلاق در جامعه ما به طرز تکان‌دهنده و حیرت‌آوری اوج گرفته است. در دنیای سنتی گذشته نه چندان دورمان، زن کم‌ترین حق را برای التذاذ جنسی جست‌وجو می‌کرد، خود را ابرازی می‌دید برای لذت‌جویی مرد و حتی تصور آن را هم نداشت که در این رابطه لذتی را

بعجود. از همان آغاز که به خانه باصطلاح بخت وارد می شد، زن در یک اندیشه بود: راضی و خوشنود نگاه داشتن شوهر و به دنیا آوردن فرزند. و چه نیکوتر می بود که فرزند پسر باشد. اکنون در دوران گذار به سوی مدرنیسم و یا شاید پسامدرنیسم، زن برای خود حقوقی می طلبد و اگر بر زبان نیاورد، در عمل نشان می دهد که دیگر ابزار جنسی برای مرد نیست که همتای اوست. به همین روی در جای جای کتاب حاضر همتا و همسر یکسان آمده است. مرد به همان شدت که لذت بستر می جوید، زن نیز همان را جست وجو می کند و آن گاه که مرد با نگاه سستی و به شیوه پدر و پدربزرگش به زن می نگرد، که صرفاً باید آتش میل جنسی او را فرو نشانند و حقی برای زن قایل نباشد و هرگاه مرد اراده کند زن مطیعانه باید تسلیم شود، آن گاه است که دعوا آغاز می شود و برخلاف گذشته که بزرگ ترهای فامیل میانداری می کردند و زن را به تسلیم و رضا تشویق می کردند، نه تنها دیگر میانه را نمی گیرند که آن هم اختلاف را نیز گاه تیزتر می کنند. و امروز جمله بی بر سر زبان هاست که مادرها به دختر خود می گویند: "ناراحتی! مهرت را بگیر و برگرد خانه پدرت. چرا خودت را یک عمر اسیر مرد بی لیاقتی چون او بکنی!"

بی گمان لااقل در روزگار سعدی نازنین نیز همین مجادلات بوده است که آن عزیز شیرین سخن می گوید:

زن کز بر مرد بی رضا برخیزد صد فتنه و درد از آن سرا برخیزد
پیری که برنخیزد الا به عصا کی اش عصا برنخیزد

و دعوا با حمایت خانواده های دختر و پسر از فرزندان خودشان، اوج می گیرد و به شیوه «آخرالدواعی» صیغه طلاق جاری می شود و پریشانی و درد آغاز می گردد. ظاهر امر آن است که مرد راه خود را می رود و زن راه خود را. اما باید این جمله را این گونه اصلاح کرد: مرد راه کج خود را

می رود و زن راه کج خود را. و این گونه است که جامعه دچار بحران اخلاقی می شود، بحرانی که نگران کننده است. و کافی است که اندکی و فقط اندکی رویه بزرگ شده جامعه را کنار بزنیم و در زیر آن منجلابی عفن را مشاهده کنیم که قلب هر انسان صاحب دردی را به درد می آورد.

به روشنی دریافته ام که آگاهی نسل امروز ما نسبت به برقراری رابطه ی سالم و کارساز و زندگی ساز بسیار اندک و گاه حتی گمراه کننده است و وجود رسانه های تصویری که امروزه در همه جا به آسانی در دسترس است، این ناآگاهی ها را تشدید کرده و گمراهی های بسیاری را موجب شده است و رهایی از این معضل مستلزم آن است که هر دو سوی این زندگی مشترک یعنی مرد و زن به نیازهای یک دیگری پی ببرند و به آن نیازها پاسخ گویند. و اکنون که نسل جوان ما به سراغ رساله های بزرگان دین مان نمی رود تا همه آن چه در این کتاب ها به روشن ترین وجهی توصیه شده است، دریابند و گاه آثار ارزشمندی چون حلیة المتقین را به جد نمی گیرند و نیز حتی پدران و مادران خود بر بسیاری از مسایل جنسی وقوف ندارند و شیوه های ارضای یک دیگر را نمی دانند و با این ناآگاهی ها، فرزندان خود را ناآگاه تر می گردانند، ناشر وظیفه خود می داند در مقام رسالتی که دارد در جایگاه یک مصلح اجتماعی و اخلاقی اثری را تقدیم جامعه کند که عمل به آن موجب استحکام بنیاد خانواده می شود. به تکرار می شنویم که بزرگان ما گفته اند: لاحیاء فی الدین و دین مبین اسلام همه آموزه ها را به روشنی عرضه داشته است و با خورسندی می نویسم: اثر حاضر به گونه یی شفاف و روشن همانند همان آثار ارجمند آموزه های دینی مان کوشیده تا راهنمایی باشد که نه تنها پسران و دختران جوانی را که به تازگی پای به عرصه زندگی مشترک گذارده اند که سال مندان و پیران سالکان را رهنمون شود تا از نیروی ارزشمند جنسی

خود به بهترین وجهی در جهت کسب رضایت و خوشنودی همسران‌شان بهره‌گیرند و بر قوام و دوام خانواده خود بیافزایند. در جای جای کتاب آموزه‌هایی داده شده که زنان و مردان جوان با توجه به آن‌ها رفتارهای جنسی خود را اصلاح کنند تا زندگی شاد، پردوام و فراتر از همه عاشقانه و وفادارانه داشته باشند. زندگی‌یی که غایت آرزوی این قلم است.